

تیرهارا دریغ میدارم بصلاح کار شما نزدیکتر است که باز گردیدو جانرا نگاه دارید و مغولها از او برگشتند .

سلطان محمد خوارزم شاه با داشتن پسری چون جلال‌الدین ورجالی چنین وقتی از جلو مغولها گریخت دیگر بخوارزم نیامد و همینکه از آب ترمذ گذشت پیغام بترکان خاتون فرستاد که حرما را برداشته با خود بمازندران آورد .

شبی که تیرگی ابرهای غلیظ بر سیاهی آن افزوده بود و خروش رعده با وزیدن بادهای شدید غلغله در او رکنج افکنده و هر کس از زیادی خوف و دهشت بکنجی خزیده بود : ترکان خاتون آهنگ رفتن کرد و حکم داد محبسها را از محبوسین پرداخته و اشخاص با نام را بجیحون اندازند . فرخ زاد را برای ناهی که داشت بجیحون انداختند . سپیدی صبح که از راز شب پرده گرفت دختری هم خود را بجیحون انداخت او روشن ملک بود ....

حیدر علی کمالی

تشکیلات اداری  
عصر ساسانیان

یکی از بهترین کتبی که تا کنون بقلم شرق شناسان اروپائی راجع بتاریخ و اوضاع قدیم ایران تألیف شده تاریخ استاد فاضل متبوع آرتور کریستنسن دانمارکی Arthur Christensen بزبان فرانسه در زیر این عنوان است :

« سلطنت ساسانیان (مملکت ، ملت ، در بار) .

ذکر اهمیت این کتاب از حیث قطر و حجم و کثرت مطالب

نیست ، بلکه مزایای آن مربوط به يك سلسله تحقیقات دقیقه و کشفیات تاریخی راجع بتمدن عصر نیاکان ماست که بیشتر حقایق آن زمان بواسطه عدم دسترس و کنجکاوای تا کنون بر ما مجهول و در تاریکی های قرون گذشته پنهان بود.

استاد کریستنسن اطلاعات جالب دقتی در تألیف خود راجع به اوضاع اجتماعی ، مذهبی ، کشوری ، لشگری ، و اداری عصر ساسانیان بمرض افکار و دسترس مطلقین میگذارد

اینک ذیلا قسمتی از فصل سوم کتاب را ترجمه میکنیم:



در عصر ساسانیان مملکت بوسیله ادارات یا بلغت پهلوای آن « دوانهایی » (۱) اداره میشد که در آن مؤسسات طرز عمل وانتظام دقیقی حکمفرما بود. اطلاعات صحیح و مستقیمی از طرز جریان وتعداد دوائر آنعصر در دست نیست ، ولی همینقدر میدانم پادشاه برای دیوان مخصوص محاکم جنائی (عدلیه) و توزیع احکام القاب و ماموریت ها هم چنین برای مالیه مهر های مختلفی داشت . حدس قریب بیقین این است که برای هر يك از شعب مذکور در فوق اقلا دیوان و اداره جدا گانه ای وجود داشته چنانکه از همین صورتی که شاید چندان کامل نباشد میتوان بوجود دیوان های دیگری مخصوص امور لشگری ، پست ، نقود و اوزان ، و شاید بیوتات و املاک خالصه سلطنتی پی برد ، ولی آنچه مسلم است بهترین قسمت های اداری زمان ساسانیان که اختصاص

(۱) کلمه دوان بعدها در فارسی جدید با مختصر تغییری بدیوان تبدیل

یافته و بر ادارت اسلامی اطلاق میشد . حکایتی که ابن خلدون راجع به ریشه و وجه اشتقاق لفظ دیوان نقل میکند طبیعی است که تعبیر افسانه مانندی است ولی ممکن است قول ابن خلدون را راجع باین که میگوید : کلمه دیوان دراصل برای تعیین دفاتر دخل و خرج استعمال میگردد و پس از آن بسط یافته بمحل کار مأمورین و محصلین مالیاتی و سایر دفاتر نیز اطلاق شد معتبر دانست .

بامور مالیه داشت دارای شعب و دیوانهای زیادی نبود بطوری که بعدها خلفای اموی و عباسی نیز اساس تشکیلات مالیه خود را بر روی همان شالوده تنظیم و تأسیس کردند. (۱)

« بلاذری » در ضمن حاشیه مختصری طرز کار و جریان امور مالیه را اینطور شرح میدهد: راپرتهای راجع بپولهای مسکوک با صدای بلند در حضور پادشاه قرائت میشد « و اشتریو سانسالار » یا خوانسالار در هر سال صورت حساب جامعی از عایدات مالیاتهای مختلف را بایستی بنظر و مهر سلطان برساند.

خسرو دوم که از بوی کاغذ پوستی خوشش نیامد امر کرد صورت محاسبات را از آن به بعد روی کاغذهای زعفرانی رنگ که با گلاب شستشو داده میشد ثبت نمایند.

احکام سلطان در حضور خود او توسط منشی مخصوص شاهنشاهی یا « اران دبیرید » نوشته و تدوین میشد سپس دیگری که مأمور رسیدگی و تفتیش اینکار بود عین عبارات حکم را در روزنامه ماهیانه که پس از انقضاء هر ماه میبایستی بمهر سلطان مهور و در دفاتر ضبط سلطنتی نگاهداری شود ثبت میکرد. پس از آن بر حسب معمول فرمان بمهر دار تحویل شده توسط او بمأموری که مطابق مرسوم و اصول اداری ایران موظف باستنساخ متن مندرج احکام بود تفویض میگردد. پس از استنساخ اصل فرمان دو باره به دبیر مخصوص پادشاه تسلیم شده مشارالیه بعد از مقابله با روزنامه ماهانه در صورت تطابق و توافق کلمات فرمان را برای امضاء بنظر پادشاه یا یکی از مهمترین محارم درباری او که

(۱) خلفای اموی فقط يك اداره برای وصول مالیاتهای ارضی و يك مؤسسه مخصوص رسیدگی بعایدات مختلفه مملکتی و تنظیم صورت حساب منافع و ترتیب اجاره و استجاره املاک عمومی تأسیس کرده بودند . . . در زمان موکل عباسی هم تنظیم امور مالیه به دو دیوان محول بود یکی برای وصول مالیاتهای ارضی و دیگری مخصوص ضبط و ثبت مخارج مملکتی.

معمولاً «فره مدار بزرگ» باشد می‌رساند. (۱)

حوالجات سلطان و معاهدات و اسناد مربوط مملکتی بمهر مخصوص پادشاه که بر روی نگین آن تصویر گرازی نقش شده بود مهور میشد و در صورت اقتضا و ایجاب ضرورت فرمان یا معاهده‌ای که بهمین مهر مهور و بعنوان یکی از ممالک مطیع یا مستقل ایران صادر شده بود با يك کیسه نمک که علامت حفظ قول و نگاهداری پیمان بود ارسال میگردید. (۲)

### مالیه و مالیاتها

رئیس مالیه یا واشتریوسان سالار (۳) مدیر کل مالیاتهای ارضی بود. یکی از مأمورین مهم دیگر که ذکری از او میشود «دیسپوران همکار» (۴) خزانه دار کل مملکتی است محتمل است گنجور نیز لقب صندوقدار مخصوص سلطان بوده. عایدات مهمه مملکت عبارت از مالیاتهای ارضی یا خراج و مالیات سرشماری یا جزیه بود. (۵)

(۱) استاد کریستن فره مدار بزرگ را بمعنی فرمانده بزرگ و پس از سلطان شخص اول سلطنت ساسانیان میدانند.

(۲) مسعودی راجع بصرهای چهار گانه خسرو اول (انوشیروان) و زمهر

خسرو دوم شرح مشیخ و مفصلی مینویسد.

(۳) و اشتریو در زمان ساسانیان سمت مدیریت جنگلها و فلاحت را

عهده دار بوده و در این موقع بنا بقول مؤلف واشتریو سانسالار هم سمت مدیریت

جنگلها و هم مقام ریاست کل مالیه را دارا بوده است.

(۴) مؤلف میگوید شغل موروثی تحویلداری کل مخصوص خانواده

ویسیوران بوده و از تواریخ و ماخذ مؤلفین ارمنی چنین مستفاد میشود که

مالیاتهای وصول شده اصفهان در خانه ویسیوران گرد شده بود.

(۵) در قرن اول اسلام جزیه و خراج بدون اختلاف منعی برای تعیین

مالیاتهای ارضی و سرشماری استعمال میشد. درخراسان لغت جزیه به هردو

مالیاتها اطلاق میگردد و در سایر نواحی ایران کلمه خراج اصطلاح عمومی

بود و بالاخره در نیمه قرن هشتم مسیحی مالیاتهای سرشماری جزیه نامیده شد

و خراج اصطلاح عمومی مالیاتهای ارضی بود ...

« صاحب قاهوس و سایر لغوین عرب جزیه را تقریباً مالیات ارضی

میزان مالیات سالیانه سر شماری بطور ثابت و يك دفعه برای عموم تعیین شده بود که میبایستی بر وفق صلاح و نظر متنفذین موضوع و بین مالیات دهندگان تقسیم شود. ولی وضع مالیات ارضی بر اهالی پایین ترتیب بود که پس از رسیدگی بحساب مزروعات هر بلوکی دو ششم محصول بر حسب قابلیت و حاصلخیزی زمین بایستی بمحصلین مالیاتی عاید گردد. معهداً ثقلب و صحت عمل مأمورین مالیه در طرز وصول و تقسیم مالیاتها مدخلیت تام داشت و چون با اینحال عایدات هر سال نسبت بسال دیگر ممکن بود تفاوت فاحشی داشته باشد بناء علیه تنظیم صورت حساب تحقیقی مالیاتها و استفاده از آن چندان میسر نمیشد و بعلاوه تفتیش آنها کار مشکلی بود. غالباً در نتیجه ظهور يك جنگ یا اتفاقی که پول مملکت روی به نقصان میگذاشت بر حسب ایجاب ضرورت مالیاتهای فوق العاده و جدیدی وضع میشد و در اینمواقع پرداخت و تأدیة مالیاتهای فوق العاده را منحصرأ بر ایالات حاصلخیز غربی ایران مخصوصاً بابل تحمیل میکردند شاپور دوم که میخواست تمام قوای سلطنت خود را در جنگ بر علیه روم بکار به بردفرمانی بمضمون ذیل بمرزبان مملکت آرامیها نگاشت: بمحض اینکه فرمان ارسالی ما رسید صاحب اختیار مطلق را رؤیت میکنی باید «سیمن» قائد نازاری هارا توقیف کرده و تا سندی نسپارد و یقین حاصل نکنی که دو برابر مالیاتهای سرانه وهم چنین ضعف مالیاتهای سنواتی قبائل نازاری هارا که در خاک مملکت ماسکونت اختیار کرده اند هر سال خواهد پرداخت او را آزاد نمیکنی، زیرا ما خداوند گار این مرزو بوم تمام اوقات را در گيرو دار و زحمت جنگ بسر برده

میدانند و آنچه بوجب اسناد و شواهد تاریخی بر ما محقق است در صدر اسلام مالیاتی بود که بر اشخاص غیر مسلم تحمیل شد. شیخ سعدی هردو لغت را ضمن نصیحت ملوک در دو شعر ابراد کرده است:

شهی که پاس رعیت نگاه می دارد      حلال باد خراجش که مزد چوپانست  
وگر نراعی خلق است زهرمارش باد      که هر چه میخورد از جزیه مسلمانان است

احمدی

و آنها با کمال آسایش و عشرت زندگانی می کند و در عین اینکه در قلمرو حکومت ما سکونت گزیده اند عامل پیشرفت نیات و همدست قیصر دشمن ما میباشند.

قطعی است که مسیحیین هم از تحمل اینقسم مالیات های جبری و سنگین در مقابل اقتدار حکومت ایران معاف نبوده اند.

بهر حال وضع و وصول مالیات بترتیب مذکور نه تنها برای پادشاه شامل منافع نبود بلکه ضرر های مهمی نیز متوجه مالیات دهندگان میشد ، مذکور است که رعایا قبل از تأدیه مالیات معینه جرأت نداشتند بمیوه رسیده خود دست بزنند و بالاخره در نتیجه همین ترتیبات غیر عادلانه بود که غباد تصمیم گرفت طرز مالیات گذاری و ایصال آنرا بر روی اساس و اصول صحیحی تنظیم بکند: تغییر و اصلاحی که در زمان خسرو اول (انوشیروان) عملی شد ...

در زمان انوشیروان تمام اراضی قابل زرع بطور دقت مساحی شد چنانکه در پایان این اقدام ترتیب وصول مالیات های ارضی مطابق میزان و نرخ ذیل تعیین گردید:

|               |     |   |
|---------------|-----|---|
| ۱             | درم | مالیات یکجریب زمین گندم و جوکاری در سال |
| ۸             | درم | تا کستان جریبی                          |
| ۷             | درم | یک جریب یونجه کاری                      |
| $\frac{5}{4}$ | درم | زمین شلتوک کاری جریبی                   |

مالیات چهارنخل متعلق باهالی ایران و شش نخل و چهار درخت زیتون از آرامی ها در سال . . . . . ۱ درم

کلیه محصولات ارضی خارج از اینصورت و حتی نخلیات متفرقه که عوائد مهمی نداشت از تأدیه مالیات معاف بود در هر حال این میزان و نرخ مالیاتی چندان مالایطاق بنظر نمیآید جز اینکه طرز تعبیر و اجراء قوانین مالیه و تبعیضات و اجحافات مأمورین اداری آنزمان

بر ما مجهول است . ولی بطور کلی سیستم جدید موجبات رفع نگرانی رعایا را فراهم ساخته و بعلاوه چندین برابر عایدات سابق هم بر وجوه موجوده خزانه دولت افزوده بود خلفا هم همین طرز را در اصول خراج-گذاری خود رعایت میکردند.

مالیات سرشماری نیز در زمان خسرو اول (انوشیروان) تجدید و اصلاح شد یعنی افراد از سن بیست تا پنجاه سال مشمول پرداخت مالیات سرانه بودند «باستثنای نجبا و بزرگان ، سپاهی ، مغان ، منشیها و اشخاص دیگری که در خدمات در باری بودند» .

مؤدیان مالیاتی برحسب ثروت و دارائی شخصی بچند طبقه منقسم شده بودند افراد طبقه بالنسبه عالی و متمول از دوازده درم تا هشت درم میپرداختند و توده ملت رو بهمرفته سری چهار درم .

مالیات ها سه ماه سه ماه با قسط معینه (سیماراک) پرداخته میشد خسرو نسخه ای از صورت مالیات های موضوع جدید را در دفاتر ضبط سلطنتی نگاهداشته و نسخ دیگر را بمأمورین مالیه ایالات و قضاة بلوک و نواحی مربوطه سپرد و ضمناً قضاة مزبوره را موظف کرد که با نهایت دقت مراقب اعمال تحصیلداران و جریان وصول مالیات ها باشند و حسباً لمقرر در صورتیکه کشته های گندم یا اشجار دچار آفات میشدند بایستی بیش از آنچه مالیات حقیقی بدان تعلق میگرفت مطالبه نشود . قضاة میبایستی که صورت تخفیفات مالیاتی را به اطلاع حکومت مرکزی برسانند تا حکومت مراتب لازم را به محصلین مالیه دستور بدهد .

خسرو (انوشیروان) می خواست بوسیله این طرز تفتیش از اجحافات و حیف و میل هائی که تا آن زمان بتوسط مأمورین مالیاتی بعمل میآمد کاملاً جلوگیری کرده باشد . علاوه بر تحف و هدایای اجباری که در مواقع اعیاد نوروز و مهرگان بعنوان پیشکشی تقدیم پادشاه میشد .

عایدات دیگری موسوم به « آئین » در سال حسب المرسوم بر مالیاتهای مستقیم اضافه میگردد. منافع مهمه دیگر عبارت از عایدات املاک خالصه سلطنتی و خراج جشنها بود معادن طلای « فرامکین » ارمنستان ایران را نیز باید جزء منابع اخیر محسوب بکنیم.

غنائم جنگ يك عایدی غیر مستقیم و نا منظمی را تشکیل میداد خسرو دوم ضمن خطابه حماسی خود غنائمی را که در جنگ بدست آورده اینطور شرح میدهد: طلا و نقره، اشیاء گرانبها همه قسم، فلز برنج، فولاد، ابریشم و اطلس، پارچه های زری، اسلحه، مواشی، زنان و اطفال و مردان پیرفزون از اندازه بغنیمت آورده ایم که در خزائن و مخازن ما و محل های مخصوص بخود نگاهداری شده و میشوند.

شاید حقوق و عوائد گمرکی نیز جزو منافع مستقیم سلاطین ساسانی بوده ولی مورخین شواهد درستی در این موضوع بدست نمیدهند.

در هیجدهمین سال سلطنت خسرو دوم ۶۰۷ تا ۶۰۸ بعد از میلاد موجودی خزانه را که سلطان بیکی از قصور جدید البنای تیسفون حمل میکرد تقریباً بالغ بر چهار صد و شصت میلیون مثقال پول مسکوک میشد معادل با سیصد و شصت شش میلیون فرانک امروز در صورتی که وزن و میزان معتدل هر مثقالی مساوی با يك درم ساسانی بود.

علاوه بر این مبلغ مقدار زیادی اشیاء نفیسه و البسه فاخره بخزانه جدید حمل میشد که قسمت اعظم آن از خراجهای فوق العاده بدست آمده بود معلوم است خسرو دوم با مختصر اقدامی مردم را وادار به تأدیه مالیات های گزاف میکرد بدلیل آنکه با وجود محاربات پی در پی که مستلزم مخارج و ضرر های هنگفت بود، تا نهمین سال سلطنتش خسرو بالغ بر هزار و ششصد میلیون وجوه مسکوک در خزانه خود گرد و آماده کرده بود (معادل هزار و چهار صد میلیون فرانک)

مالیات های عقب افتاده غالباً مطابق اصول قدیمه معاف میشد



و این بخشش برای پادشاهی که تازه بر تخت سلطنت جلوس میکرد بهترین راه کسب محبوبیت و قبولیت عامه بود.

بهرام پنجم هنگام جلوس بنخت رعایا را از تأدیه بقایای مالیاتی که بالغ بر ۷۰ میلیون درم بود ( ۶۰ میلیون فرانک ) معاف کرد بعلاوه يك ثلث از مالیات های ارضی را نیز در همان سال تخفیف و تقلیل داد.

فیروز در زمان قحط و غلاء وصول مالیات های ارضی و سرشماری و همچنین خراجهای مخصوصی را برای مساعدت برعایا و جلب منافع عمومی بکلی متروک داشته و مردم را از هر گونه تحمیلاتی از قبیل خدمات مجانی و کار های دیگری معاف کرد.

مصارف عمده مملکت در زمان ساسانیان عبارت بود از مخارج جنگ ، مصارف دربار ، حقوق مستخدمین دولتی و خرج تنظیمات داخلی ، توسعه فواید عامه و فلاحت عمومی مملکت از قبیل بنای سد ها و حفر کانال ها و قنوات در درجه دوم جزو مصارف ضروری بوده مع هذا در موقع بنای سد ها یا از این قبیل مؤسسات عام المنفعه سکنه ذینفع محل بسا حکومت مساعدت های مادی کرده و شاید غالباً با پرداخت مبالغ هنگفتی بطور قرضه در اینمواقع بحکومت کمک میکردند .

ضمن تعلیق یا عفو بقایای مالیاتی گاهی شرحی از وجوهی که از طرف سلاطین ساسانی بطور مستقیم بین فقرا تقسیم میشد دیده میشود مثلاً از طرف بهرام پنجم و فیروز (۱) بهرام پولهای زیادی که بالغ بر

(۱) استاد ثولد که می گوید : فیروز در زمان قحطی امر کرد ،

کسانیکه دارای انبار های پر از آذوقه هستند باید باشخاص بی بضاعت که فاقد تأمین وسایل معاش خود میباشد کمک بکنند . مخصوصاً تصریح کرد که اگر يك نفر از گرسنگی بمیرد سکنه شهر یا اهل دهی که آن شخص در آنجا تلف شده است شدیداً تعقیب و تنبیه خواهند شد .

بیست میلیون درم بود بین نجبار و محتارمین و فقرا تقسیم کرد ولی صرف نظر از اینمواد پولهای خزانه کمتر صرف منافع عمومی میگردد چون سلاطین ایران عادت داشتند که خرائن خود را از وجوه نقد و اشیاء گرانبها هر قدر ممکن بشود بکنند .

بنا بگفته مورخین ارمنی هنگام جلوس سلطان جدید بر تخت سلطنت کلیه پولهای مسکوک و موجود در خزانه را ذوب کرده دو باره باسم پادشاه تازه سکه میکردند . بهمین ترتیب صورتهائی از اسناد مضبوطه در دفاتر ضبط سلطنتی با تغییرات لازمه باسم شاه جدید رونویس میشد .

ترجمه «ع. احمدی بختیاری»



### ضلال مبین

دیدم بصره دخترکی اعجمی نسب  
مخواند درس قرآن در پیش شیخ شهر  
میداد شیخ درس ( ضلال مبین ) بدو  
دختر نداشت طاق گفتم حرف ضاد  
میداد شیخ را به ( دلال مبین ) جواب  
گفتم به شیخ راه ضلال اینقدر میوی  
روشن نموده شهر ز نور جمال خویش  
وز شیخ دل ربوده بغنج و دلال خویش  
و آهنگ ضاد رفته باوج کمال خویش  
با آن دهان کوچک غنچه مثال خویش  
و آن شیخ مینمود مکرر مقال خویش  
کاینشوخ منصرف نشود از خیال خویش  
بهر همان بود که بمابند هر دوان  
اودر (دلال) خویش و تواندر (ضلال) خویش

م. بهار

